قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید، زیرا یهوه، خدایت، خود با تو می‌رود و تو را وا نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود.

تثنیه ۳۱: ۶

مسیح برای بسیاری از مسیحیان کمی بیشتر از یک تصور یا خیال است و یا در بهترین حالت یک آرمان یا کمالِ مطلوب؛ در واقع مسیح برای‌شان یک حقیقت نیست. تعداد زیادی از مسیحیان درباره مسیح به گونه‌ای صحبت می‌کنند که گویی او حقیقت محض است ولی رفتارشان با گفتارشان هم‌راستا نیست. پر واضح است که وضعیت حقیقی ما با رفتارمان آشکار می‌شود نه با حرف‌هایی که به زبان می‌آوریم.

بسیاری از ما مسیحیان آن‌قدر در مدیریت زندگی‌مان حرفه‌ای شده‌ایم که می‌توانیم حقیقت مسیحیت را طوری در زندگی‌مان نشان دهیم که درگیری زیادی با آن نداشته باشیم. مسائل را طوری طراحی می‌کنیم که بتوانیم بدون کمک الهی آنها را پشت سر بگذاریم و این در حالی است که ظاهراً به دنبال کمک خداوند هستیم. از طرفی به خداوند می‌بالیم ولی آن‌قدر مراقبیم که نیازی به تکیه کردن به او نداشته باشیم. «دل از همه‌چیز فریبنده‌تر است و بسیار مریض است. کیست که آن را بداند؟» (ارمیا ۱۷: ۹).

ایماندار ظاهری، همیشه راه فراری را پیش‌بینی می‌کند که اگر خداوند از پس مشکل برنیامد، بتواند از آن استفاده کند. ایماندار واقعی تنها یک راه را می‌شناسد و با شادی، همهِ راه‌های جایگزین یا راه حل‌های موقتی و بدلی را از خود دور می‌کند. برای ایماندارِ حقیقی، یا خدا عمل می‌کند یا از آن صرف نظر می‌کند! از زمانی که آدم برای اولین بار بر روی زمین ایستاد تا همین لحظه، خداوند حتی یک نفر از آنانی که به او اعتماد دارند را رها نکرده است. حتی یک نفر!

## ای پدر آسمانی، از تو سپاسگزارم که به خدای شکست ناپذیر ایمان آورده‌ام. کمکم کن تا به یاد داشته باشم که نیازی به نقشه پشتیبان ندارم. من امروز با عقلی که تو در اختیارم قرار دادی می‌اندیشم، به وفاداری تو تکیه می‌کنم و همه چیز را به تو می‌سپارم. آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*